

بررسی تأثیر مدیریت ریسک شرکت و کمیته حسابرسی بر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

حسن ناصریان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه پیام‌نور، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

enarpco@gmail.com

دکتر سید محمود موسوی شبیری

دانشیار حسابداری، عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور، مشهد، ایران.

Mousavi1973@yahoo.com

شماره ۱۶ / زمستان ۱۳۹۸ (جلد اول) صص ۲۰-۳۳
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره دوم)

چکیده

یکی از ملاحظات و مکانیزم‌های راهبری شرکتی در زمینه مدیریت و کنترل و نظارت بر امور شرکتهای سهامی عام، کمیته حسابرسی است. کمیته حسابرسی، کمیته فرعی هیئت مدیره و از اجزای راهبری است که در مقام مشورتی یا مصلحت‌اندیشی فعالیت می‌کند. در دنیای تجارت امروز، در راستای دست‌یابی به اهداف سازمانی و به منظور اطمینان از هدایت بهینه کلیه منابع، وجود واحدی به نام حسابرسی داخلی ضرورت می‌یابد. حسابرسان داخلی برای انجام صحیح وظایف خود نیاز به پشتیبانی و تعامل مدیران سازمان از جمله کمیته حسابرسی دارند. حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی از جمله ارکان نظام راهبری شرکتی می‌باشند که فعالیت‌شان در راستای اجرای صحیح رویه‌های راهبری شرکتی حائز اهمیت است. برقراری رابطه واحد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی نیز تأثیر ژرفی بر راهبری شرکتی دارد. بدون وجود تعامل مناسب با واحد حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی قادر به اجرای نقش‌ها و مسئولیت‌های متعدد نیست. بدین منظور ۱۰۰ شرکت از بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ دارای چسبندگی هزینه بوده و اطلاعات لازم برای محاسبه متغیرهای پژوهش را داشته‌اند به‌عنوان نمونه انتخاب گردیدند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مدیریت ریسک شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که کمیته حسابرسی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

واژه‌های کلیدی: اعتبار شرکت، کمیته حسابرسی، ریسک شهرت، حاکمیت شرکتی.

مقدمه

اعتبارسنجی به معنای ارزیابی و سنجش توان بازپرداخت متقاضیان وام و تسهیلات مالی و عدم بازپرداخت اعتبارات دریافتی از سوی آن‌ها می‌باشد. در سال ۱۹۹۶ برای تعیین ورشکستگی شرکت‌ها، مدل رگرسیون لجستیک به‌وسیله بی‌ور (۱۹۶۸) به کار گرفته شد. بعدها از این مدل برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری اوراق قرضه منتشرشده شرکت استفاده شد. یکی دیگر از

مطالعات انجام شده در زمینه اندازه‌گیری ریسک اعتباری اوراق قرضه شرکت‌ها با استفاده از مدل نمره دهی چند متغیره، به وسیله بی‌ور در سال ۱۹۶۸ انجام شد و به مدل نمره Z شهرت یافت. مدل نمره Z آئتمن یک مدل تحلیل ممیزی است که با استفاده از مقادیر نسبت‌های مالی تلاش می‌کند تا شرکت‌های ورشکسته را از شرکت‌های غیر ورشکسته تمییز دهد ساندرز و آلن از این مدل برای پیش‌بینی ریسک اعتباری وام‌گیرندگان استفاده کرده و به این نتیجه رسیدند که این مدل از قدرت بالایی برای پیش‌بینی ریسک اعتباری برخوردار است. در اواخر ۱۹۷۰ مدل‌های احتمالی خطی و وضعیتی احتمالی چندگانه برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها مطرح شدند. هم‌چنین در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی ریاضی در بسیاری از مطالعات عنوان شد. دیسای و همکارانش در سال ۱۹۹۶ به بررسی توانایی‌های شبکه‌های عصبی و تکنیک‌های آماری متداول نظیر آنالیز ممیزی خطی و آنالیز رگرسیون خطی در ساخت مدل‌های امتیازدهی اعتباری پرداخته‌اند. هم‌چنین وست در سال ۲۰۰۰ به بررسی مدل‌های کمی پرداخت. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این بود که آنالیز رگرسیون خطی جایگزین بسیار خوبی برای شبکه‌های عصبی است. درحالی‌که درخت تصمیم و مدل نزدیک‌ترین همسایه و آنالیز ممیزی خطی نتایج نویدبخش و دلگرم‌کننده‌ای ایجاد نکرده‌اند. امل و همکارانش (۲۰۰۳) یک متدولوژی امتیازدهی اعتباری بر اساس تحلیل پوششی داده‌ها پیشنهاد کردند. آن‌ها داده‌های مالی جاری ۸۲ شرکت تولیدی/صنعتی را که تشکیل‌دهنده پرتفولیوی اعتباری یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های ترکیه بود، برای رتبه‌بندی اعتباری به کار گرفتند. در این پژوهش بر اساس ادبیات موضوع، ۴۲ نسبت مالی انتخاب شد و از میان آن‌ها ۶ نسبت مهم مالی مورد توجه قرار گرفت. امل و همکارانش پس از اعتبارسنجی مدل با تجزیه و تحلیل رگرسیون دریافتند که روش تحلیل پوششی داده‌ها قادر به تخمین رتبه‌های اعتباری شرکت‌ها بوده و از کارایی لازم برای امتیازدهی اعتباری برخوردار است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رتبه اعتباری شرکت نشان‌دهنده ریسک اعتباری شرکت هست هرچه رتبه اعتباری شرکت بیشتر باشد ریسک اعتباری شرکت پایین خواهد بود، ریسک اعتباری ریسکی است که از نکول/قصور طرف قرارداد، یا در حالتی کلی‌تر ریسکی است که از «اتفاقی اعتباری» به وجود می‌آید. به‌طور تاریخی این ریسک معمولاً در مورد اوراق قرضه واقع می‌شد، بدین صورت که قرض دهنده‌ها از بازپرداخت وامی که به قرض‌گیرنده داده بودند، نگران بودند. به همین خاطر گاهی اوقات ریسک اعتباری را ریسک نکول هم گویند. ریسک اعتباری از این واقعیت ریشه می‌گیرد که طرف قرارداد، نتواند یا نخواهد تعهدات قرارداد را انجام دهد. تأثیر این ریسک با هزینه جایگزینی وجه نقد ناشی از نکول طرف قرارداد سنجیده می‌شود. ضررهای ناشی از ریسک اعتباری ممکن است قبل از وقوع نکول واقعی طرف قرارداد رخ دهند. به‌طور کلی‌تر ریسک اعتباری را می‌توان به‌عنوان ضرر محتمل که در اثر یک رخداد اعتباری اتفاق می‌افتد، بیان کرد. رخداد اعتباری زمانی واقعی شود که توانایی طرف قرارداد در تکمیل تعهداتش تغییر کند. ریسک اعتباری یکی از مهم‌ترین عوامل تولید ریسک در بانک‌ها و شرکت‌های مالی است. این ریسک از این جهت ناشی می‌شود که دریافت‌کنندگان تسهیلات توانایی بازپرداخت اقساط بدهی خود را به بانک نداشته باشند. اگر شرکتی توان بازپرداخت بالایی برای بدهی‌های خود داشته باشد دارای رتبه اعتباری بالایی خواهد بود. از طرفی یکی از ملاحظات و مکانیزم‌های راهبری شرکتی در زمینه مدیریت و کنترل و نظارت بر امور شرکت‌های سهامی عام، کمیته حسابرسی است. کمیته حسابرسی، کمیته فرعی هیئت مدیره و از اجزای راهبری است که در مقام مشورتی یا مصلحت‌اندیشی فعالیت می‌کند. در دنیای تجارت امروز، در راستای دست‌یابی به اهداف سازمانی و به منظور اطمینان از هدایت بهینه کلیه منابع،

وجود واحدی به نام حسابرسی داخلی ضرورت می یابد. حسابرسان داخلی برای انجام صحیح وظایف خود نیاز به پشتیبانی و تعامل مدیران سازمان از جمله کمیته حسابرسی دارند (خوش طینت و اسماعیلی، ۱۳۸۴).

حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی از جمله ارکان نظام راهبری شرکتی می باشند که فعالیت شان در راستای اجرای صحیح رویه های راهبری شرکتی حائز اهمیت است. برقراری رابطه واحد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی نیز تاثیر ژرفی بر راهبری شرکتی دارد. بدون وجود تعامل مناسب با واحد حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی قادر به اجرای نقش ها و مسئولیت های متعدد نیست (بوریس و تاسیک، ۲۰۱۵).

از سوی دیگر، یکی از فاکتور های کلیدی برای عملیات موفق حسابرسی داخلی در یک سازمان، حمایتی است که کمیته حسابرسی از واحد حسابرسی داخلی و فعالیت هایش انجام می دهند. کمیته حسابرسی کارآمد با ایجاد محیطی مستقل و پشتیبان، موقعیت حسابرسی داخلی را تقویت و اثربخشی (اگنس و همکاران، ۲۰۱۳). هم چنین، حمایت کمیته، کنترل های داخلی را بررسی می کند و حسابرسی از واحد حسابرسی داخلی، تاثیر مثبتی بر کیفیت اطلاعاتی دارد که این واحد برای کمیته حسابرسی به منظور ایفای نقش های آن فراهم می کند. با توجه به اینکه برقراری روابط مناسب کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی ملزم به رعایت منشور و استانداردها و درک صحیح مسئولیت های مطرح گردیده در آنهاست بنابراین، مسئله اصلی پژوهش بررسی رابطه ی کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی در چارچوب منشور و استانداردها می باشد. پژوهش حاضر با بهره گیری از منشور کمیته حسابرسی، منشور حسابرسی داخلی، استانداردهای موثر بر عملکرد این دو واحد و هم چنین نتایج تحقیقات پیشین، روابط و مسئولیت های متقابل بین کمیته حسابرسی واحد حسابرسی داخلی را بررسی می نماید. کمیته حسابرسی به منظور اجرا وظیفه نظارتی هیئت مدیره به ویژه در زمینه های مرتبط با کنترل های داخلی، مدیریت ریسک، گزارشگری مالی و فعالیت های حسابرسی تشکیل می شود. وجود کمیته حسابرسی که متشکل از اعضای غیر موظف هیئت مدیره برای نظارت بر و وظیفه ها و مسئولیتهای حسابرسی داخلی است، استقلال حسابرسان داخلی را افزایش می دهد. هر چه پیوند کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی قوی تر باشد، استقلال و در نتیجه واقع بینی و یا حفظ بیطرفی حسابرسان داخلی در عملیات حسابرسی و گزارشگری، بیشتر خواهد بود (قائمی و همکاران، ۱۳۸۷).

کمیته حسابرسی، مسئولیت نظارت بر استخدام، ترفیع و حقوق مزایای مدیر حسابرسی داخلی و همچنین، شکل گیری عملیات واحد حسابرسی داخلی را بر عهده دارد. هدف کمیته حسابرسی کمک به هیئت مدیره در انجام مسئولیت های نظارتی است. تحقیقات نشان می دهند برخی کمیته های حسابرسی نقش های نظارتی خود را جدی تلقی کرده در حالیکه سایرین این نقشها اساسا تشریفات قلمداد می کنند (قائمی و همکاران، ۱۳۸۷).

بیتی و رامش (۲۰۱۹) معتقدند که نظارت مناسب کمیته حسابرسی بر اقدامات مدیریت و گزارش های مالی منجر به افزایش کیفیت آن ها می گردد که این امر منجر به اطمینان سرمایه گذاران و اعتباردهندگان شده و در نهایت منجر به بالارفتن رتبه اعتباری شرکت می گردد.

از سوی دیگر تحولات عمده در محیط کسب و کار مثل جهانی شدن و سرعت بالای تغییرات در فناوری، باعث افزایش رقابت و دشواری مدیریت در سازمان ها گردیده است در محیط های پیچیده سازمان ها نیازمند مدیرانی هستند که این پیچیدگی های ذاتی را در زمان تصمیم گیری های مهم شان لحاظ و تفکیک کنند مدیران ریسک مؤثر بر مبنای اصول مفهومی معتبر قرارداد، بخش مهمی از ای فرآیند تصمیم گیری را تشکیل می دهند. می توان گفت که مدیریت ریسک، فرآیند شناسایی، ارزیابی و آنجا اقدامات کنترلی و اصلاح ریسک های اتفاقی بالقوه ای است که مشخصاً پیشامدهای ممک آن، خسارت یا عدم تغییر در وضع

موجود می‌باشد. مدیریت ریسک واحد تجاری، ریسک را مدیریت می‌کند تا اطمینان قابل قبولی برای دستیابی به اهداف واحد تجاری را فراهم آورد (کستلو و ویتنبرگ، ۲۰۱۱).

مدیریت ریسک فرآیند، ارزیابی ریسک و طراحی استراتژی‌هایی برای شناخت ریسک است محققان اعتقاد دارند که مدیریت ریسک واحد تجاری، رویکرد وسیع‌تری را برای مدیریت ریسک در مقایسه با جنبه سنتی آن ایجاد می‌کند با پذیرش رویکرد سیستماتیک و مطابق با مدیریت همه ریسک‌های پیش روی یک سازمان، مدیریت ریسک واحد تجاری برای کاهش ریسک کلی ورشکستگی شرکت و همچنین برای افزایش عملکرد و درنهایت افزایش ارزش سازمان ضروری است. همچنین تصمیم‌گیری در شرایط عدم شناخت کافی از واحد تحت مدیریت، منجر به خسارات جبران‌ناپذیری به واحد اقتصادی خواهد شد برای اداره بهتر هر واحد اقتصادی شناخت کامل خصوصیات و ویژگی‌های آن واحد ضروری به نظر می‌رسد مدیران شرکت‌های بیمه با درک و شناخت ویژگی‌های منحصربه‌فرد ای شرکت‌ها می‌توانند تصمیم‌گیری مؤثرتر و کاراتری را در جهت پیشبرد اهداف و فعالیت‌های واحد اقتصادی تحت مدیریت خود داشته باشند درواقع مخاطرات اخلاقی سبب شکل‌گیری جریان ناکارای اطلاعاتی می‌شود ای جریان ناکارای اطلاعاتی می‌تواند بر عملکرد شرکت اثرگذار باشد (محمدزاده و نوفرستی، ۱۳۸۸).

رتبه اعتباری که بیشتر توسط بانک‌ها و مؤسسات تأمین‌کننده مالی، برای بررسی وضعیت اعتباری و مالی شرکت‌های متقاضی به کار گرفته می‌شود، درواقع گویای توانایی شرکت در بازپرداخت تعهدات و اعتبارات دریافتی می‌باشد هر چه رتبه اعتباری شرکت در وضعیت خوبی قرار داشته باشد میزان دستیابی به منابع مالی می‌تواند بهبود یابد، بدین منظور افزایش جایگاه اعتباری شرکت می‌تواند یکی از برنامه‌ها و اهداف مهم هر مدیری باشد. اما اینکه در ایران و در بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تا چه میزان منابع تأمین‌کنندگان مالی به شاخص‌های سنجش رتبه اعتباری شرکت توجه نشان می‌دهند و بر اساس رتبه‌های اعتباری حاصل‌شده منابع مالی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند از سؤال‌های مهم این پژوهش و جنبه بااهمیت پژوهش می‌باشد چراکه وجود یک ملاک معتبر برای سنجش توانایی شرکت در بازپرداخت تعهدات و رعایت آن می‌تواند در کاهش انتقال ناعادلانه سرمایه‌گذاری‌ها و هدر رفتن منابع مالی جلوگیری کند. امید است که این پژوهش راه‌گشای مدیران و سایر استفاده‌کنندگان گردد و مبنایی برای پژوهش‌های آتی قرار گیرد.

مینیس (۲۰۱۹) معتقدند که مدیریت ریسک شرکت منجر به بهبود عملکرد شرکت و در نهایت منجر به افزایش سودآوری شرکت می‌گردد که این امر منجر به جذب سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان می‌گردد که در نهایت منجر به بالارفتن رتبه اعتباری شرکت می‌گردد.

پاندی (۲۰۱۷) پژوهش تأثیر مدیریت ریسک بر موفقیت پروژه‌های فناوری اطلاعات را با هدف بررسی شیوه‌های مدیریت ریسک تأثیرگذار بر موفقیت پروژه‌های فناوری اطلاعات به آنجا رساندند داده‌های از ۲۰۰ نفر از مدیران پروژه، مدیران فناوری اطلاعات و تحلیلگران فناوری اطلاعات در شرکت‌های فناوری اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری نمودند. نتایج حاکی از تفاوت در انواع سازمانی بر موفقیت پروژه‌های فناوری اطلاعات در تمامی ابعاد تأثیر گذاشت، در حالی که تفاوت‌های اندازه‌های سازمانی بر موفقیت پروژه‌های فناوری اطلاعات برحسب عملکرد محصول و همچنین جنبه‌های کل تأثیر گذاشت. زین و سابرامانیا (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان برداشتهای حسابرس داخلی از تعاملات کمیته حسابرسی: مطالعه کیفی در شرکت‌های دولتی مالزی نشان دادند که کیفیت گزارشگری مالی و فرآیندهای راهبری، با برقراری روابط سازنده و مؤثر کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی ارتقا می‌یابد. آن‌ها همچنین بیان کردند افزایش این روابط، شرایط مناسبی را برای اجرای فعالیت‌های حسابرسی داخلی فراهم می‌کند. در این تحقیق که در مالزی انجام شد، آن‌ها شواهدی را دال بر اهمیت ارتباط

صادقانه و باز مدیر حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی را ارائه کردند. آن‌ها همچنین گزارش کردند که مدیران حسابرسی داخلی تصور می‌کنند که کمیته حسابرسی به‌شدت به اطلاعات حسابرسی داخلی وابسته است و کمیته‌های حسابرسی بدون واحد حسابرسی داخلی قدرتمند و غنی، نمی‌توانند فعالیت کنند. همچنین جالب است بدانید که آن دو نشان دادند، اگرچه کمیته‌های به بررسی و تأیید برنامه‌های حسابرسی داخلی می‌پردازند، اما اعضای کمیته‌های حسابرسی به‌طور کامل کفایت برنامه‌ها را درک نمی‌کنند.

اسمیت (۲۰۱۷) در تحقیقی بیان کرد، به همان میزان که وابستگی متقابل کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی در بخش خصوصی اهمیت دارد در بخش عمومی نیز مهم است. این مورد از یافته‌های مطالعه ویلز در مورد رابطه کاری بین کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی در دولت‌های محلی است. این مطالعه بر اهمیت ارتباط کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی، و دسترسی نامحدود به رؤسای از کمیته حسابرسی تأکید کرد، اما اظهار نمود که در این روابط، کمیته حسابرسی نیاز به درک بیشتری از فعالیت‌های حسابرسی داخلی دارد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "رابطه استفاده از فنون مدیریت ریسک با عملکرد شرکت‌های فعال صنایع غذایی" به بررسی رابطه‌ی بی‌ریسک‌های استراتژیک، عملیاتی، گزارشگری و عدم رعایت قوانین و مقررات به‌عنوان معرف مدیریت ریسک بنگاه با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام که معرف عملکرد می‌باشد برای تمامی شرکت‌های فعال در صنعت غذایی که بیش از یک سال از پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار تهران گذشته است، می‌پردازند در ای پژوهش برای کمی‌سازی میزان استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه از مدل ارائه‌شده در کتاب کوزو استفاده‌شده است همچنین برای بررسی رابطه متغیر مستقل (میزان استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه) و متغیر وابسته (عملکرد) پس از استانداردسازی داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده‌شده است نتایج نشان‌دهنده‌ای است که استفاده از فنون مدیریت ریسک بنگاه رابطه معنادار و مثبتی با عملکرد سازمان دارد و همچنین در بررسی فرضیه‌های فرعی، تنها مدیریت ریسک‌های استراتژیک هیچ‌گونه رابطه‌ی معنی‌داری با عملکرد سازمان ندارد.

فرضیه‌ها

فرضیه نخست: مدیریت ریسک شرکت دارای تأثیر معنادار بر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

فرضیه دوم: کمیته حسابرسی دارای تأثیر معنادار بر رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

روش پژوهش

جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تشکیل می‌دهد. قلمرو زمانی پژوهش نیز، فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. به منظور انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. براین اساس نمونه پژوهش شامل شرکت‌هایی است که (۱) تاریخ پذیرش آنها در بورس قبل از سال ۱۳۹۰ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۷ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند، (۲) سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند بوده و در دوره مورد

بررسی، تغییر سال مالی نداده باشند، ۳) فعالیت اصلی آن‌ها سرمایه‌گذاری و تامین مالی نباشد، و ۴) اطلاعات آن‌ها در دسترس باشد ۵) در دوره مورد مطالعه دارای چسبندگی هزینه بوده‌اند. با اعمال این شرایط، تعداد شرکت‌های نمونه به ۱۰۰ شرکت رسید.

نوع پژوهش

این پژوهش از نوع علی-همبستگی و ماهیت آن پس‌رویدادی است. برای طبقه‌بندی و سازماندهی داده‌ها از شاخص‌های آماری توصیفی (مرکزی، پراکندگی و پراکندگی مرکزی) شامل میانگین، میانه، حداقل و حداکثر، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی استفاده می‌گردد. مدل همبستگی و رگرسیون لجستیک و پارامترهای ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و همچنین آزمون‌های چاو و هاسمن برای تعیین مدل با اثرات ثابت یا اثرات تصادفی و آزمون‌های F و t برای معنادار بودن مدل و آزمون فرضیه‌ها استفاده خواهد شد.

نحوه گردآوری داده‌ها

در این پژوهش داده‌های مورد نیاز از نرم افزار و ره‌آورد نوین، صورت‌های مالی شرکت‌ها و اسناد کاوی (بررسی یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی) و همچنین سایت کدال استخراج شده است. در این پژوهش برای مرتب کردن داده‌ها از نرم افزار اکسل استفاده شده است. همچنین با توجه به توابع موجود در این نرم افزار، برخی از متغیرهای پژوهش محاسبه گردیده است. علاوه بر آن برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Eviews استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

رتبه‌بندی اعتباری (EMS): در پژوهش حاضر رتبه‌بندی اعتباری در نقش متغیر وابسته است. برای محاسبه رتبه‌بندی اعتباری از مدل ارائه‌شده توسط آلتمن و هاچیکس (۲۰۰۷) به صورت زیر استفاده می‌گردد.

$$EMS = 3.25 + 6.56x_1 + 3.26x_2 + 6.72x_3 + 1.05x_4$$

که در آن:

X_1 : برابر با نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی است.

X_2 : برابر با نسبت سود انباشته به مجموع دارایی است.

X_3 : برابر با نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی است.

X_4 : برابر با نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به مجموع بدهی‌ها است.

متغیر مستقل

کمیته حسابرسی (CA): کمیته حسابرسی با توجه به سه آیتم زیر اندازه‌گیری می‌گردد: اندازه کمیته حسابرسی: برابر است با تعداد اعضای کمیته حسابرسی. اگر تعداد هر سال شرکت از میانه کل نمونه بیشتر باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر قرار می‌دهیم.

استقلال کمیته حسابرسی: نسبت اعضای مستقل کمیته به کل اعضا. اگر این نسبت بیش از میانه کل نمونه بود عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ قرار می‌دهیم.

تخصص اعضای کمیته حسابرسی: برابر است با تعداد اعضای تحصیل کرده در رشته‌های حسابرسی، حسابداری و مالی به کل اعضا. اگر این نسبت بیش از میانه کل نمونه بود عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ قرار می‌دهیم.

پس از محاسبه موارد فوق نمرات ۱ را با هم جمع نموده و بر ۳ تقسیم می‌نماییم.

مدیریت ریسک شرکت: این بعد از تقسیم انحراف استاندارد خالص درآمد سالیانه بر انحراف استاندارد نسبت ROE و ROA بدست می‌آید این نسبت به عنوان متغیر مستقل در محاسبات آماری پژوهش شناخته می‌گردد (بیوتی و وبر، ۲۰۱۹).

متغیر کنترلی

SIZE: برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت است.

MTB: برابر با ارزش بازار سهام شرکت به ارزش دفتری آن است.

LEV: برابر با نسبت مجموع بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌ها است.

مدل پژوهش

برای آزمون فرضیات پژوهش از مدل ارائه شده توسط کومجو و همکاران (۲۰۱۹) به صورت زیر استفاده می‌گردد:

$$EMS = \beta_0 + \beta_1 \cdot CA + \beta_2 \cdot ROE + \beta_3 \cdot ROA + \beta_4 \cdot SIZE + \beta_5 \cdot BTM + \beta_6 \cdot LEV + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

EMS: رتبه‌بندی اعتباری

CA: کمیته حسابرسی

ROE: بازده حقوق صاحبان سهام

ROA: بازده دارایی

SIZE: اندازه شرکت

MTB: برابر با ارزش بازار سهام شرکت به ارزش دفتری آن است.

LEV: اهرم مالی

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

تعداد مشاهدات مورد بررسی برای برآورد مدل فرضیه ۶۰۰ مشاهده از ۱۰۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۶ است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	چارک برا	احتمال چارک برا
EMS	۷,۳۶۱	۸,۷۳۷	۱۱,۰۲	۳,۵۰۱	۲,۳۲۶	-۰,۳۱۲	۱,۳۲۹	۱,۳۷۷	۰,۳۴۲
CA	۰,۴۵۰	۰,۳۳۳	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۲۵۵	۰,۰۶۷	۲,۶۰۹	۱,۵۹۲	۰,۱۷۵
ROA	۰,۲۰۹	۰,۱۹۰	۱,۴۸۹	۰,۰۰۳	۰,۱۶۱	۲,۴۵۸	۱۱,۸۹	۱,۲۰۰	۰,۳۷۹
ROE	۰,۰۷۶	۰,۰۶۹	۰,۵۴۴	۰,۰۰۱	۰,۰۵۹	۲,۱۴۸	۱۴,۹۰۱	۱,۷۵۵	۰,۱۵۷
LEV	۰,۶۱۸	۰,۶۳۱	۱,۷۲۶	۰,۱۰۴	۰,۲۳۰	۰,۳۷۷	۴,۴۹۹	۱,۱۴۲	۰,۳۸۵
MTB	۰,۶۱۲	۰,۳۸۳	۵,۱۲۲	۰,۰۷۳	۰,۲۳۵	۳,۱۸۲	۱۵,۱۷	۱,۵۳۹	۰,۲۸۶
SIZE	۲۲,۰۸	۲۶,۲۱	۳۳,۰۶	۱۰,۵۰	۶,۹۷۸	-۰,۳۱۲	۱,۳۲۹	۱,۰۴۱	۰,۴۰۸

همان‌طور که در جدول (۱)، مشاهده می‌شود آماره‌های توصیفی شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی می‌باشد که معروف‌ترین و در عین حال پر مصرف‌ترین شاخص‌های آمار توصیفی‌اند. میانگین، متوسط داده‌ها را نشان می‌دهد. چولگی و کشیدگی شاخص تقارن داده‌ها و نشان‌دهنده وضعیت آن‌ها نسبت به توزیع نرمال است. طبق نتایج جدول ۱، میزان میانگین یک متغیر بدان معناست که به طور متوسط میزان آن متغیر در آن محدوده است. مهم‌ترین شاخص چولگی ضریب چولگی می‌باشد. اگر ضریب چولگی منفی باشد توزیع دارای چوله به راست است و در صورتی که ضریب چولگی مثبت باشد توزیع دارای چوله به چپ است. اگر توزیع متقارن باشد ضریب چولگی مساوی صفر خواهد بود. بدیهی است هر چه قدر مطلق ضریب چولگی بیشتر باشد تفاوت جامعه از نظر قرینگی با توزیع متقارن بیشتر است. و در خصوص کشیدگی یکی از پارامترهای مناسب استفاده از مقایسه پراکندگی توزیع جامعه با توزیع نرمال است. آن دسته از توزیع که نسبت به توزیع نرمال از پراکندگی بیشتری برخوردارند یعنی منحنی توزیع نسبت به توزیع نرمال کوتاه‌تر است دارای توزیع کشیدگی منفی و در صورتی که بلندتر باشد دارای کشیدگی مثبت است. همچنین احتمال آماره چارک برا نرمال بودن توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد که اگر مقدار آن کمتر از ۰,۰۵ باشد به معنای نرمال بودن توزیع داده‌ها است.

آزمون فرضیات پژوهش

در پژوهش حاضر برای بررسی ناهمسانی واریانس آزمون وایت استفاده شد، علاوه بر آن برای آزمون خودهمبستگی سریالی از آزمون بروش گادفری استفاده گردید. برای تعیین الگوی مناسب برای تخمین مدل پژوهش از آزمون F لیمر و هاسمن استفاده شده است.

آزمون ناهمسانی واریانس

در جدول (۲) نتایج حاصل از آزمون وایت برای آزمون معناداری ضرایب مربوط به هر متغیر مستقل در الگوی لجیت و ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص ارائه شده است:

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون وایت

معناداری آماره F	آماره F
۰,۴۴۷	۰,۹۵۱

سطح معناداری آزمون وایت (۰,۴۴۷) بیانگر آن است که ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص مدل وجود ندارد.

آزمون خودهمبستگی سریالی بین باقی مانده های مدل

جدول (۳): آماره F و سطح معناداری مربوط به آن

نتیجه	سطح معناداری	F آماره
عدم وجود خودهمبستگی سریالی	۰,۸۸۸	۰,۱۱۸

طبق جدول شماره ۳. آماره F و سطح معناداری متناظر با آن به ترتیب برابر با ۰,۱۱۸ و ۰,۸۸۸ می باشد و چون سطح معناداری آن از ۰/۰۵ بیشتر می باشد پس فرض صفر مربوط به عدم خودهمبستگی سریالی رد نشده و مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. به بیانی دیگر شواهدی برای رد فرض صفر مبتنی بر عدم وجود همبستگی سریالی بین باقیمانده های مدل، وجود ندارد.

آزمون هم خطی

در جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون هم خطی به منظور بررسی وجود یا عدم وجود هم خطی بین متغیرها ارائه شده است:

جدول (۴): عامل تورم واریانس برای متغیرهای پژوهش

عامل تورم واریانس	متغیرها
۵,۳۹۶	CA
۲,۸۷۷	ROA
۸,۴۶۲	ROE
۱,۹۸۶	LEV
۸,۸۷۵	MTB
۹,۹۹۵	SIZE

از آنجاکه سطح VIF در این مدل کمتر از ۱۰ شد، بنابراین در این مدل مشکل هم خطی وجود ندارد.

انتخاب مدل

نتایج حاصل از آزمون های چاو (F لیمر) و هاسمن برای انتخاب مدل مناسب در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون انتخاب نوع مدل فرضیه اول و دوم

انتخاب مدل	معناداری	آماره آزمون	آزمون
مدل با اثرات تصادفی	۰/۰۰	۴۵,۸۶	آزمون چاو (F لیمر)
	۰,۳۵۱	۵,۵۵۸	آزمون هاسمن

نحوه داوری

چون سطح معناداری محاسبه شده (۰/۰۰) در آزمون قابلیت ادغام داده‌ها از سطح معناداری ۰,۰۵ کمتر بوده و همچنین سطح معناداری آماره آزمون هاسمن نیز از سطح معناداری ۰,۰۵ کمتر است. در نتیجه مدل با اثرات تصادفی مناسب است.

نتایج حاصل از بررسی کلی مدل

نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیون، در جدول‌های شماره (۶) و (۷) ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج حاصل از بررسی کلی مدل

ضریب تعیین	تعدیل شده	آماره F	معناداری آماره F	دوربین- واتسون
۰,۴۲	۰,۴۰	۷,۵۷	۰/۰۰	۱,۶۲

همان‌طور که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه صفر آماری که همان بی‌معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) است، رد می‌شود و مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. در این مدل، ضریب تعیین برابر با ۰,۴۲ است. یعنی ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی قابل توضیح است. همچنین، مقدار آماره دوربین- واتسون مدلی که برابر با ۱,۶۲ است، در فاصله بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و نشان‌دهنده این است که بین خطاهای مدل خودهمبستگی وجود ندارد. در ادامه نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرهای مدل که در جدول شماره (۷) ارائه شده است، توضیح داده می‌شود.

جدول (۷): نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	T آماره	معناداری سطح
عرض از مبدأ	۷,۲۰۴	۰,۱۶۵	۴۳,۶۱	۰,۰۰۰
CA	۰,۳۱۰	۰,۱۳۲	۲,۳۴۸	۰,۰۱۹
ROE	۰,۰۲۶	۰,۰۱۰	۲,۴۱۷	۰,۰۱۵
ROA	۰,۰۶۸	۰,۰۲۴	۲,۷۷۵	۰,۰۰۶
LEV	-۰,۰۳۸	۰,۰۱۶	-۲,۳۲۱	۰,۰۲۰
MTB	۰,۰۱۰	۰,۰۹۶	۰,۱۱۱	۰,۹۱۱
SIZE	۰,۰۲۵	۰,۰۰۹	۲,۸۰۶	۰,۰۰۵

فرضیه نخست

همان طور که ملاحظه می شود، ضریب مثبت متغیرهای مستقل مورد بررسی، (ROE) و (ROA) بیانگر رابطه مستقیم بین مدیریت ریسک با رتبه اعتباری شرکتها است. همچنین از آنجا که سطح معناداری متناظر با آنها به ترتیب برابر با (۰,۰۱۵) و (۰,۰۰۶) از سطح خطای قابل قبول آزمون (۰/۰۵) کمتر است، این رابطه معنادار است بنابراین فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می گیرد.

فرضیه دوم

همان طور که ملاحظه می شود، ضریب مثبت متغیر مستقل مورد بررسی، (CA) بیانگر رابطه مستقیم بین کمیته حسابرسی با رتبه اعتباری شرکتها است. همچنین از آنجا که سطح معناداری متناظر با آنها (۰,۰۱۹) از سطح خطای قابل قبول آزمون (۰/۰۵) کمتر است، این رابطه معنادار است بنابراین فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می گیرد. همچنین ضریب منفی متغیر کنترلی مورد بررسی، (LEV)، بیانگر رابطه معکوس بین این متغیر، با رتبه اعتباری شرکتها است و از آنجا که سطح معناداری متناظر با آنها به ترتیب (۰,۰۲۰)، از سطح خطای قابل قبول آزمون (۰/۰۵) کمتر است، این رابطه معنادار است بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار گرفته است. علاوه بر آن ضریب مثبت متغیر کنترلی مورد بررسی، (SIZE)، بیانگر رابطه مثبت بین این متغیرها، با رتبه اعتباری شرکتها است و از آنجا که سطح معناداری متناظر با آنها به ترتیب (۰,۰۰۵)، از سطح خطای قابل قبول آزمون (۰/۰۵) کمتر است، این رابطه معنادار است بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار گرفته است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش بررسی تأثیر مدیریت ریسک شرکت و کمیته حسابرسی بر رتبه بندی اعتباری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. فرضیه اول پژوهش عنوان می نماید که مدیریت ریسک شرکت دارای تأثیر معنادار بر رتبه بندی اعتباری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج آزمون فرضیه نخست نشان می دهد که مدیریت ریسک شرکت و رتبه بندی اعتباری شرکت دارای رابطه مستقیم با یکدیگر هستند. به عبارت دیگر همان گونه که در فصل نخست عنوان گردید، مدیران شرکت هرچه قدر بهتر بتوانند ریسک شرکت را مدیریت نمایند این امر منجر به افزایش رتبه اعتباری شرکت می گردد. فرضیه دوم پژوهش عنوان می نماید که کمیته حسابرسی دارای تأثیر معنادار بر رتبه بندی اعتباری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می دهد که کمیته حسابرسی و رتبه بندی اعتباری شرکت دارای رابطه مستقیم با یکدیگر هستند. به عبارت دیگر هرچه قدر کمیته حسابرسی، تخصص و دانش بالایی داشته باشند و همچنین استقلال بیشتری داشته باشند می توانند اعتماد اعتباردهندگان و سرمایه گذاران را جلب نمایند که این امر منجر به افزایش رتبه اعتباری شرکت می گردد. کاسکارینو و اسچ (۲۰۱۹) معتقدند که نظارت مناسب کمیته حسابرسی بر اقدامات مدیریت و گزارش های مالی منجر به افزایش کیفیت آنها می گردد که این امر منجر به اطمینان سرمایه گذاران و اعتباردهندگان شده و در نهایت منجر به بالا رفتن رتبه اعتباری شرکت می گردد. بنابراین می توان نتیجه گرفت نتایج فرضیه نخست با پژوهش کومجو و همکاران (۲۰۱۹) همسو می باشد. باتوجه به نتایج پژوهش به سرمایه گذاران پیشنهاد می گردد که به گزارش های حسابرس و کمیته حسابرسی توجه بسزایی نمایند تا بتوانند شرکت های دارای رتبه اعتباری بالا را

شناسایی، و در تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری آن را مدنظر داشته باشند تا بتوانند سرمایه‌گذاری موفق داشته، و سرمایه‌شان از دست نرود و متحمل زیان نگردند. همچنین به اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود که در رتبه‌بندی شرکت‌ها توجه ویژه‌ای نمایند تا تصمیم آن‌ها در خصوص رتبه‌بندی شرکت‌ها، راه‌گشای سرمایه‌گذاران گردد، نه اینکه منجر به سردرگمی آن‌ها شود. علاوه بر آن به مدیران پیشنهاد می‌شود که به صورت هوشیارانه و مسلط اقدام به مدیریت ریسک شرکت نمایند تا منجر به افزایش ثروت سهامداران گردند و همچنین سرمایه‌های جدید را جذب نمایند تا ارزش شرکت و به طبع آن اعتبار شرکت افزایش یابد.

منابع

- ✓ خوش طینت، محسن، اسماعیلی، شاهپور، (۱۳۸۸)، رابطه بین کیفیت سود با بازده سهام، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۲۷-۵۶.
- ✓ قائمی، محمد حسین، جمال لیوانی، علی، سجاده، بزرگی، (۱۳۸۷)، کیفیت سود و بازده سهام شرکت‌ها، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۵۲-۷۴.
- ✓ محمدزاده، امیر، نوفرستی، لیلا، (۱۳۸۸)، تأثیر سیاست‌های سرمایه در گردش بر بازده سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، آینده پژوهی مدیریت، دوره ۲۰، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۵۷.
- ✓ حسینی، احمد، سیدعبدالرضا، حسینی، سیدمحمدحسین، سیدمطهری، سیدمهدی، (۱۳۹۳)، رابطه استفاده از فنون مدیریت ریسک با عملکرد شرکت‌های فعال صنایع غذایی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۴۵-۶۰.
- ✓ Agnes chang. C.S., Polyu, H.K., & Zhang, L.S.U. (2013). CFO quality, accrual quality, and stock price crash risk, AAA Annual Meeting, university of missoul.
- ✓ Altman, J. and A. Hachiks. (2007). Do internal control reforms improve earnings quality?, Working Paper from Financial Accounting Reporting Section FARS.
- ✓ Beatty, A. and J. Weber. (2019). The effect of debt contracting on voluntary accounting method changes, *The Accounting Review*, Vol. 78, 119-142.
- ✓ Beatty, A., K. Ramesh and J. Weber. (2019). The importance of accounting changes in debt contracts: the cost of flexibility in covenant calculation, *Journal of Accounting and Economics*, 33, 205-227.
- ✓ Beaver. (1968). Effect of taxes on business financing decisions and firm value in Nigeria. *International Research Journal of Finance and Economics*, 12, 189-213.
- ✓ Borise, S. B. & Tasik, C. S. (2015). Perceived Relationship between corporate capital structure and firm value in Nigeria. *International Journal of Business and Social Science*, 2(19): 131-143.
- ✓ Castello, A and R. Wittenberg. (2011). The impact of financial reporting quality on debt contracting: evidence from internal control weakness report, *Journal of Accounting Research*, 49, 97-631.
- ✓ Desai, N., Vasilliou, D. & Ventoura-Neokosmidi, Z. (1996). "How Firm Characteristics affect capital structure: An empirical Study". *Managerial Finance*, 33(5): 321-331.
- ✓ Kaskarino, J.P. Mather and P. Eastch. (2019). The effect of corporate board characteristics on loan monitoring decisions, 1-31, available at: <http://ssrn.com>.
- ✓ Komejo, M.B., M.E. Sushka and C.D. Hudson. (2019). External monitoring and its effect on seasoned common and stock issue, *Journal of Accounting and Economics*, 12, 397-417.

- ✓ Minnis, M. (2019). The value of financial statement verification in debt financing: evidence from private u.s. firms, Forthcoming in Journal of Accounting Research.
- ✓ Omel, M.B., M.E. Sushka and C.D. Hudson. (2003). External monitoring and its effect on seasoned common and stock issue, Journal of Accounting and Economics, 12, 397-417.
- ✓ Pandey, I. M., (2017), "Capital Structure, Profitability and Market Structure: Evidence from Malaysia", Asia Pacific Journal of Economics and Business, 78-91.
- ✓ Smith, C.W. (2017). A perspective on accounting- based debt covenant violations, Accounting Review, Vol. 68, pp. 289-.303.
- ✓ Vest, M. (2000). Accrual quality, realized returns, and expected returns: the importance of controlling for cash flow shocks, The Accounting Review,. 87, 1415-1444.
- ✓ Zein O. Sabramaniam., (2017), "Working Capital Management & Financing Decision: Synergetic Effect on Corporate Profitability" International Journal of Management, Economics and Social Sciences, 2(4), 233-251.